



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

نگاهی گذرا به رقابت‌های انتخاباتی احزاب آمریکایی

(با تأکید بر حزب دموکرات)



معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب‌سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مرتضی هوشیار

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
■ مقدمه	۱
■ چتر سیاسی یا دامنه اختلافات سیاسی در احزاب آمریکایی	۱
■ تقسیمات درونی حزب دموکرات	۲
۱- جناح مرکز گرا حزب دموکرات	۲
۲- جناح چپ میانه حزب دموکرات	۳
۳- در آخر جناح چپ یا شبه سوسیال دموکرات نوع اروپایی	۳
■ ساختار انتخاباتی آمریکا	۴
■ روش های انتخاباتی به شکل (کاکس- caucuses) یا (پرایمری primaries)	۵
■ بیشنازترین نامزدهای حائز اهمیت در انتخابات ۲۰۲۰	۶
■ میانگین آمار هفتگی نامزدهای انتخاباتی در جدیدترین نظرسنجی ها (گردآوری توسط سایت RCP)	۷
■ سخن آخر	۸



برگزاری انتخابات آمریکا از جمله موضوعاتی است که معمولاً مورد توجه همه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا علاوه بر حساسیت سنتی از عامل دیگری برخوردار است که موجب شده این توجه رسانه‌ای به آن بیشتر شود و آن عامل چیزی نیست مگر استیضاح ترامپ. اما واقعیت این است که اطلاعات ما از رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا تنها محدود به معروف‌ترین احزاب و نامزدهای انتخاباتی شرکت کننده در آن است. اما در کنار صف‌آرایی موجود از احزاب رقیب انتخاباتی در آمریکا، بدون شک گسترده و عمیق بودن اختلافات میان این نامزدها موجب رقابت‌های درونی و مخفی شده که برای بیشتر افراد ناشناخته مانده است.

نوشتار حاضر نتیجه نشست کارشناسی با حضور امیرعلی ابوالفتح کارشناس مسائل آمریکا در این باره است و تلاش دارد ضمن ارائه دسته‌بندی از احزاب یادشده و جدیدترین آمار از نامزدهای انتخاباتی موجود در رقابت‌های یادشده، تصویر نسبتاً شفافی از این رقابت‌ها و فعالیت احزاب آمریکایی ارائه کند.

■ چتر سیاسی یا دامنه اختلافات سیاسی در احزاب آمریکایی

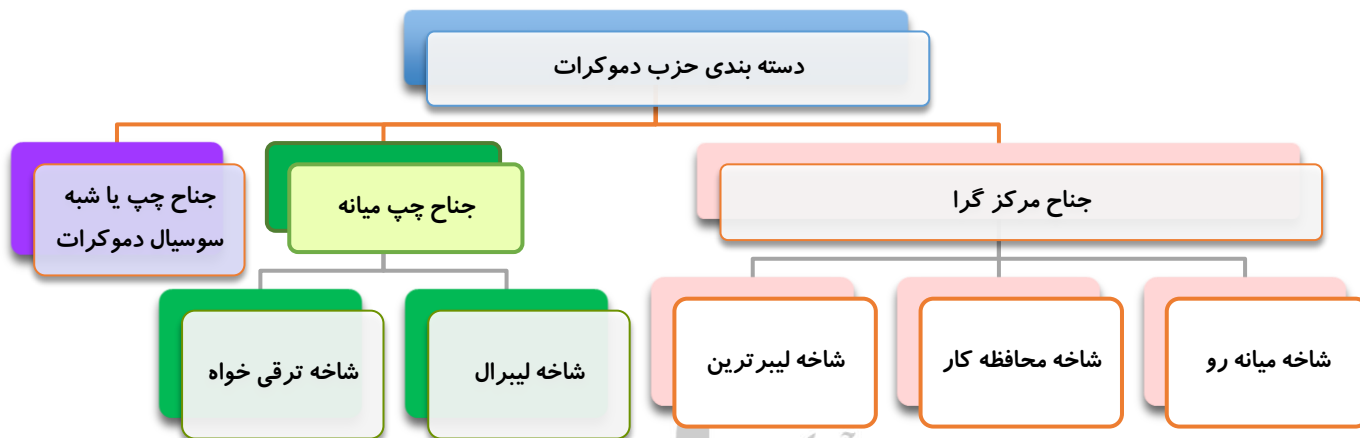
در رقابت‌های انتخاباتی آمریکا دو حزب کاملاً نام آشنا برای همه وجود دارد؛ حزب جمهوریخواه و حزب دموکرات؛ ولی در کنار این دو حزب اصلی شاید حدود صد حزب دیگر (کمتر یا اصلاً ناشناخته) وجود داشته باشند که فعالیت کرده و حتی نامزد انتخاباتی معرفی می‌کنند. اما واقعیت این است که فعالیت انتخاباتی اصلی میان دو حزب یاد شده است؛ چون در عمل انتخاب ریاست قوه مجریه منحصر به این دو حزب است.

چتر سیاسی

نکته بعدی این که احزاب سیاسی آمریکا به دلیل برخورداری از طیف‌های مختلف سلیق سیاسی از دامنه گسترده‌ای برخوردار هستند، مثلاً حزب دموکرات از سه جناح مرکزگرا، جناح چپ میانه و چپ چپ تشکیل شده است. حزب جمهوریخواه هم به همین ترتیب از چپ چپ تا راست راست گرد آمده است. این روش مخالف احزاب سیاسی اروپایی است. بنابراین احزاب دموکرات شهرهای مختلف ممکن است به علت سلیق سیاسی متفاوت اختلافات زیادی داشته باشند؛ مثلاً حزب دموکرات آیووا با حزب دموکرات آلاباما در یک موضوع اختلافات زیادی داشته باشند. علت برگزاری «کنوانسیون ملی» در هر چهار سال یکبار همین کنترل اختلافات و اتخاذ یک تصمیم واحد در خصوص ریاست جمهوری

است. معمولاً بیشترین میزان اختلافات در زمینه قانونگذاری بروز می‌کند. بنابراین در آمریکا احزاب سیاسی از انضباط حزبی کمتری در مقایسه با اروپا به ویژه انگلیس برخوردار هستند.

■ تقسیمات درونی حزب دموکرات



۱- جناح مرکز گرا حزب دموکرات

این جناح خودش از سه شاخه تشکیل شده است که عبارتند از:



- ویژگی اصلی جناح مرکز گرای حزب دموکرات

- تمرکز بر اقتصاد آزاد؛ بر این اساس هواداران این شاخه در حزب دموکرات معتقد به دخالت حداقلی دولت در اقتصاد هستند و در نتیجه خیلی اعتقادی به اخذ مالیات ندارند. این‌ها اعتقادی به دولت رفاهی نداشته و تاکید می‌کنند که بازار با ساز و کار خودش همه چیز را اصلاح و بهینه می‌کند.

- محدودیت قدرت دولت؛ به اعتقاد هواداران این شاخه از جناح مرکز گرای حزب دموکرات، قدرت دولت هم باید به طور نسبی دچار محدودیت شده در نتیجه میزان دخالت دولت در امور داخلی شهروندان محدود و کنترل شده است.

- توجه به احقاق حقوق دولت‌های ایالتی؛ بر این اساس دولت فدرال باید کمترین دخالت را در امور داخلی ایالت‌ها کند. حال هر چقدر ما در این تقسیم بندی جناح‌ها به سمت چپ حرکت کنیم مواضع رایکال‌تر یعنی چپ‌گرایانه‌تر می‌شود. یعنی در جناح مرکز گرا که اولویت در اقتصاد؛ اقتصاد آزاد است جایش را می‌دهد به عدالت اقتصادی در جناح چپ میانه. بر این اساس هواداران جناح چپ میانه (بر اساس عدالت اقتصادی) معتقدند دولت وظیفه دارد از طریق اخذ بیشتر مالیات از ثروتمندان و توزیع عادلانه آن در جامعه به ویژه میان نیازمندان و قشرهای آسیب پذیر؛ عدالت اقتصادی را در

جامعه حکمفرما کرده و در نتیجه برای همه شهروندان عدالت فراهم شود. البته علاوه بر این اخذ مالیات بیشتر و توزیع آن بین سایرین و دیگر اقدامات دولت رفاهی همچون ارائه انواع و اقسام یارانه‌ها، کمک هزینه‌ها و بیمه‌ها و .. از جمله اقدامات مهم اقتصادی جناح چپ میانه است.

درست است که اقتصاد آمریکا بر مبنای سرمایه‌داری و اقتصاد آزاد شکل گرفته ولی از آنجائی که اختلاف سلیقه در روش‌های سیاسی - اقتصادی زیاد و پذیرفته شده است بنابراین احزاب سیاسی این اجازه را پیدا می‌کنند که سلیق مختلف را تا حدی که به اصل اقتصاد سرمایه‌داری خدشه وارد نکند، در قالب عدالت اقتصادی اجتماعی و ... اعمال کنند.

۲- جناح چپ میانه حزب دموکرات

این جناح خودش هم به دو شاخه زیر تقسیم می‌شود که عبارتند از: شاخه لیبرال، شاخه ترقی خواه - شاخه لیبرال جناح چپ میانه حزب دموکرات: اعضای این گرایش سیاسی بر روی مسائل و موضوعات فرهنگی و اجتماعی تاکید دارند. یعنی در حالی که افکار اقتصادیشان به مرکزگراها نزدیک است، به موضوعات و مسائل اجتماعی توجه ویژه دارند مثلاً معتقد به برابری جنسیتی و نژادی هستند. آن‌ها معتقدند باید فضا برای رشد و رقابت جوانان وجود داشته باشد.

- شاخه ترقی خواه جناح چپ میانه حزب دموکرات: این جناح و گرایش سیاسی نوظهور است که قدمتش به اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد و اخیراً (پس از چند سال سکوت و انزوا) اخیراً در جامعه آمریکا ظهور و بروز بیشتری یافته است. خانم الکساندریا اوکاسیو کورتز، خانم ایلهان عمر و خانم رشیده طلیب از اعضای سرشناس این شاخه هستند. شخص ترامپ با این افراد به شدت زاویه دارد. این حزب که در انتخابات ۲۰۱۸ پیروز شد در حال حاضر میدان دار اصلی حزب دموکرات بوده و آن را به دنبال خود می‌کشد. استیضاح ترامپ هم خواست این شاخه بود که شاخه مرکزگرای نانسی پلوسی هم مقهور این خواست شد.

۳- در آخر جناح چپ یا شبه سوسیال دموکرات نوع اروپایی

مواضع این جناح به سوسیالیست‌های اروپایی نزدیک شده و مبارزه با فساد اقتصادی و رانت خواری را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و با «وال استریت» مخالف است. اعضای یادشده همچنین معتقدند که باید از سرمایه‌داران به بهانه‌های مختلف از جمله مالیات بر سهام، مالیات بر سرمایه‌گذاری و دارایی و ارث و ... مالیات اخذ شود. در حقیقت از طبقه یک درصدی مالیات‌های مختلف گرفته و خرج طبقه ۹۹ درصدی شود. این جناح برنامه‌های رفاهی متعددی را نیز دنبال می‌کند؛ مثلاً ضرورت رایگان شدن دانشگاه‌ها. تا پیش از به قدرت رسیدن اواما؛ حزب دموکرات به شدت تحت تاثیر جناح مرکزگرا به رهبری خاندان کلینتون بود. بیل کلینتون خودش بنیانگذار و هدایتگر شورای مرکزی دموکرات‌ها بود. به قدرت رسیدن آقای جورج دبلیو بوش موج جدید محافظه‌کاری را در جامعه آمریکا رواج داد. واکنش لیبرال‌ها به این مسئله حرکت و نزدیک شدن آن‌ها به سمت چپگرایی بود. بنابراین نتیجه ریاست جمهوری جورج بوش محافظه‌کار راستگرا؛ ظهور و رشد و به قدرت رسیدن یک فرد چپ میانه به اسم باراک اواما بود. این فرد به

چپ میانه تعلق داشت بنابراین تفکراتش تا حدودی عدالتخواهانه بود اوباما کر (obama care) یکی از معروف ترین مصادیق این تفکر است. نتیجه طبیعی به قدرت رسیدن نماینده چپ میانه در جامعه سیاسی آمریکا غلیان بیشتر و تحرک بیشتر محافظه کاران و در نتیجه ظهور جنبش «تی پارتی» از درون آن بود و در نهایت این جنبش معروف به تی پارتی کمک کرد که **دونالد ترامپ** به قدرت برسد. همین مسئله هم واکنش جالبی را موجب شد بدین معنا که شاخه ترقی خواه جناح چپ میانه حزب دموکرات که مدت ها دچار سکوت و سکون و اغماء شده بود دید بزودی جامعه به دست محافظه کاران تندرو و نژادپرست خواهد افتاد؛ بنابراین برای جلوگیری پیشرفت این رویه فعال شده و اقدام کردند. نمونه افراد **تندرو نژادپرست دونالد ترامپ** و **بدتر از وی مایک پنس** است.

■ ساختار انتخاباتی آمریکا

انتخاباتی انجمن های حزبی (کاکس caucuses)

مقدماتی (پرایمری primaries)

اوپن (open)

کلوز (close)

برای انتخابات ۲۰۲۰ دموکرات ها با ۳۰ نامزد شروع کردند منتها این تعداد الان ریزش کرده و به ۱۵ نفر رسیده است. از این تعداد چهار نامزد انتخاباتی زن و مابقی مرد هستند؛ که البته از تنوع زیادی برخوردارند یعنی از طبقات اجتماعی، تنوع نژادی و مالی گوناگون برخوردار هستند به گونه ای که **مایکل بلومبرگ** با ۶۰ میلیارد دلار، ثروتمندترین نامزد تاریخ انتخابات آمریکا است. از این تعداد چه بسا افرادی تا تاریخ انتخابات مقدماتی (۳ فوریه ۲۰۲۰ مصادف با ۱۴ بهمن ۹۸) معمولاً به علت کفایت نکردن توان مالی از گردونه انتخابات خارج می شوند. بنابراین نامزهایی که از منابع مالی مستقل برخوردارند مانند **مایکل بلومبرگ** یا افرادی که مورد حمایت مالی شرکت ها و کمپانی های بزرگ اقتصادی (بر اساس خط مشی حزب) هستند در این رقابت باقی می ماندند. نماینده حزب جمهوریخواه تا به امروز ترامپ است ولی هنوز نماینده نهایی حزب دموکرات مشخص نشده است. بر این اساس انتخابات مقدماتی جمهوریخواهان و دموکرات ها ۳ فوریه ۲۰۲۰ و در ابتدا از ایالت آیووا آغاز می شود. ایالت آیووا و نیوهمپشایر در انتخابات آمریکا جایگاه مهم و ویژه دارند. در انتخابات مقدماتی، انتخابات به دو روش برگزار می شود.

۱- به شکل انجمن های حزبی (کاکس - caucuses)

۲- مقدماتی یا پرایمری (primaries)

در انتخابات به شکل انجمن های حزبی (کاکس - caucuses) این گونه است که هر ایالتی یک انجمن حزبی دارد که اعضای آن - که غیر از افراد معمولی بلکه فعال سیاسی هستند - در فرآیند انتخابات شرکت کرده و این ها رای می دهند.

بنابراین اولین انتخابات مقدماتی در ایالت آیووا به شکل کاکس برگزار می‌شود؛ یعنی اعضای حزب - نه شهروندان عادی - در انتخابات شرکت کرده و رای می‌دهند. اما در انتخابات به شکل مقدماتی یا (پرایمری primaries) - مثل تمام نقاط دنیا که شهروندان در انتخابات شرکت می‌کنند - نه اعضای حزب - در این جا نیز شهروندان به پای صندوق رفته و رای می‌دهند و آراء شمارش شده و ...

■ روش‌های انتخاباتی به شکل (کاکس-caucuses) یا (پرایمری primaries)

برای هر یک از این دو روش هم نقاط ضعفی هست هم نقاط قوت. تاریخ انتخابات آمریکا حاکی از برگزاری تمام انتخابات قدیمی به شکل کاکس است؛ ولی بعدها با پیشرفت دموکراسی و مراجعه به آراء مردم در جامعه آمریکا، این روند از انحصار کاکس خارج شده و شاهد برگزاری انتخابات به شکل پرایمری هستیم. البته فراموش نکنیم که انتخابات پرایمری به دو شکل برگزاری می‌شود، پرایمری اوپن open - پرایمری کلوز close. در انتخابات پرایمری به شکل اوپن هر فردی بدون توجه به مرام حزبی‌اش - چه جمهوریخواه چه دموکرات - اجازه دارد در انتخابات شرکت کند اما در انتخابات پرایمری به شکل کلوز تنها اعضای همان حزب اجازه حضور و شرکت در انتخابات را دارند یعنی اگر انتخابات پرایمری کلوز حزب جمهوریخواه بود تنها هواداران این حزب می‌توانند در آن شرکت کنند.

سه شنبه بزرگ: معمولا هر روزی به برگزاری انتخابات در ایالتی خاص - و حداکثر سه ایالت - اختصاص دارد مگر سه شنبه بزرگ که چندین ایالت انتخابات (حدود ۱۰ ایالت) را در آن روز برگزار می‌کنند. سه شنبه بزرگ امسال در سوم مارس (۱۳ اسفند ۹۸) برگزار خواهد شد. در سه شنبه بزرگ امسال انتخابات کالیفرنیا هم که پرجمعیت‌ترین و بزرگ‌ترین ایالت آمریکاست برگزار می‌شود بنابراین کسی که برنده انتخابات کاکس آیووا (سوم فوریه)، پرایمری نیوهمشایر (۱۱ فوریه) و سه شنبه بزرگ (سوم مارس) باشد، احتمال قوی نامزد نهایی همان حزب در انتخابات خواهد بود. در نتیجه به طور سنتی کسی که انتخابات آیووا و نیوهمشایر را بُرد پس نمی‌تواند نامزد نهایی آن حزب شود. به لحاظ جامعه‌شناسی سیاسی جامعه آمریکا، مردم آمریکا تابع برنده انتخابات آیووا، نیوهمشایر و سه شنبه بزرگ هستند.

برای درک بهتر این ادعا کافی است به نتایج انتخابات ۲۰۱۶ توجه کنیم. از حزب دموکرات برنی سندرز و هیلاری کلینتون هر کدامشان تنها در انتخابات یک حوزه برنده شدند اما در حزب جمهوریخواه دونالد ترامپ در هر دو حوزه برنده شد. ترامپ پس از این دو پیروزی در انتخابات سه شنبه بزرگ هم پیروز شد و پس از این پیروزی بزرگان جمهوریخواه مثل جَب بوش، مارکو روبیو و ... از ادامه رقابت‌ها استعفا دادند چون می‌دانستند که دیگر شانس ندارند.

■ پیش‌تازترین نامزدهای حائز اهمیت در انتخابات ۲۰۲۰ (حزب دموکرات)

جو بایدن: که از اعضای حزب دموکرات است از جناح میانه یا مرکز‌گرای حزب دموکرات نامزد شده و افراد سرشناسی از وی به طور رسمی حمایت کرده‌اند. وی که سابقه چند دهه کار سیاسی دارد از شانس قابل توجهی برای پیروزی بر تعداد دیگری از نامزدهای انتخاباتی برخوردار است هرچند موضوع اوکراین و رانت خواری پسرش برای وی پی‌آمدهای منفی در برداشت.

برنی سندرز: که به عنوان نامزد انتخاباتی از جناح چپ دموکرات‌ها شناخته می‌شود (البته او خود را نامزد سوسیال دموکرات معرفی کرده) و سناتور مستقل در سنا است که تنها هم‌پیمان دموکرات‌ها می‌باشد. وی به رغم داشتن برنامه‌های متعدد ضد سرمایه‌داری از حمایت گسترده سرمایه‌داران برخوردار است و در جایگاه دوم جذب کمک‌های مالی برای انتخابات است با ۵۷ میلیون قرار گرفته‌است. (علت حمایت سرمایه‌داران از سندرز با وجود شعارهای ضد سرمایه‌داریش این است که خیلی از سرمایه‌داران و معتقدین به سرمایه‌داری باور دارند که اگر قرار است نظام سرمایه‌داری حفظ شود باید یک جراحی بزرگ در آن انجام شود و انتخاب سندرز می‌تواند این جراحی و تلاش برای حفظ ساختار سرمایه‌داری باشد)

صد او سنا

پیت بوتیجیج: که به عنوان ستاره نوظهور انتخابات ۲۰۲۰ معرفی می‌شود نامزد جناح لیبرال حزب دموکرات بود و شهردار یک شهر کوچک و گمنام بیشتر نیست. چند علت باعث شده که بوتیجیج به‌رغم موقعیت نه‌چندان قوی قبلیش (شهردار یک شهر کوچک و گمنام بودن) پیش‌بیفتد از جمله: **جوان بودن**، **نداشتن سابقه در ساختار قدرت** (مبرا بودن از اتهامات فساد اقتصادی و سیاسی؛ در حال حاضر مردم آمریکا نسبت به کهنه‌سیاستمداران تصویر منفی داشته و حتی انزجار پیدا کرده‌اند، امیدواری به اقدامات وی در رفع تبعیضات جنسیتی و...)

الیزابت وارن: که از جناح ترقی‌خواه نامزد انتخابات شده سرشناس‌ترین فرد از این جناح است. این فرد هم به جناح محافظه‌کار نزدیک بوده و چهره تلطیف‌شده جناح چپ است. وی به‌رغم برخوردار بودن از چهره دانشگاهی و سناتوربودن و بهره‌مندی از قدرت سخنوری فاقد کاریزمای لازم برای رهبری سیاسی است.

■ میانگین آمار هفتگی آرای نامزدهای انتخاباتی حزب دموکرات در جدیدترین نظرسنجی‌ها تا تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲
(گردآوری توسط سایت RCP)



نکته: نظرسنجی‌ها را برای درک بهتر روندها باید دید و مطالعه کرد ولی نباید بر اساس آن پیش بینی قطعی کرد. کما اینکه در ۲۰۱۶ هم نتیجه نهایی با نظرسنجی‌ها مغایرت داشت.

بلومبرگ، یکی از نامزدهای انتخاباتی است که توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. این فرد با داشتن ۶۰ میلیارد دلار سرمایه، نهمین سرمایه‌دار بزرگ آمریکایی و ثروتمندترین نامزد انتخاباتی تاریخ آمریکاست. بلومبرگ علاوه بر ثروت، سه دوره شهرداری نیویورک را در کارنامه خود داشته که از این نظر هم مورد توجه است. وی با داشتن افکاری همچون آزادی سقط جنین و ازدواج همجنسگراها خود را به لحاظ اجتماعی جزو جناح ترقی خواه می‌داند ولی در خصوص مواضع اقتصادی، خود را تاحدود زیادی محافظه کار می‌داند. بنابراین خیلی از ناظرین وی را فرد مستقلی در درون حزب دموکرات می‌دانند که توانایی برقراری ارتباط حزب دموکرات با سایرین (در دیگر احزاب) را دارد. یک تحلیل موجود، بر وحشت اعضای سنتی حزب دموکرات تاکید دارد. براین اساس رشد چپگرایی در حزب دموکرات همچون پیروزی سندرز در انتخابات ۲۰۱۶ در رقابت درون حزبی و کمک‌های گسترده مردمی به وی در حال حاضر وحشت سران سنتی این حزب همچون بایدن، هیلاری کلینتون و باراک اوباما را در پی داشته است. اتفاقاً ترامپ نیز در این مدت با بزرگ‌نمایی این رشد چپگرایی در حزب دموکرات تلاش کرده افراد زیادی را به خود جذب کند حتی هواداران سنتی حزب دموکرات را به علت این نگرانی که رشد زیاد چپ‌گرایی کشور را از مدار سرمایه‌داری خارج کند، در اردوگاه خود جمع کرده و توانست آراء آن‌ها را به دست بیاورد.

■ سخن آخر

اولاً

اختلافات سیاسی و حزبی در آمریکا شدید است و به نظر می‌رسد قدرت گرفتن ترامپ نیز یکی از عواملی است که این اختلافات را تشدید می‌کند.

ثانیاً

به نظر می‌رسد حزب جمهوریخواه تا حد زیادی به این جمع بندی رسیده که ترامپ نماینده این حزب در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۰ باشد. این در حالی است که حزب دموکرات هنوز به وحدت لازم نرسیده و این امر ناکامی آن‌ها در رویارویی با ترامپ را افزایش می‌دهد. در این حال برخی ناظران علاوه بر اختلافات یادشده، نبود یک شخصیت مهم و قدرتمند را عامل دیگر برای شکست احتمالی دموکرات‌ها می‌دانند.

ثالثاً

پس از تصویب طرح استیضاح از سوی مجلس نمایندگان، طرح یادشده در صورتی اجرایی شده و موجب برکناری رییس جمهوری خواهد شد که دو سوم از کل نمایندگان سنا یعنی ۶۷ نفر رای مثبت به استیضاح بدهند. این در حالی است که واقعیات موجود چیزی غیر از این را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات موجود هیچ نماینده جمهوریخواه به طرح استیضاح رای مثبت نداده بنابر این انتظار رای مثبت آنها در مرحله بعدی یعنی برکناری ترامپ دور از ذهن و غیرواقعی است. علاوه بر این دلایل یادشده برای برکناری ترامپ به نظر می‌رسد قدری ضعیف و ناکافی است. یعنی این دلایل تنها برای فشار آوردن به حزب رقیب (جمهوریخواه) و تضعیف آن در آستانه انتخابات است نه بیشتر! واقعیت این است که در صورتی که طرح یادشده شکست بخورد - که احتمالش کم نیست - جایگاه جمهوریخواهان به ویژه ترامپ را در آستانه انتخابات تقویت می‌کند.